

اولین همایش ملی
علوم انسانی در حکمت معاصر
بامحوریت علامه طباطبائی

hcwconf.ir



اهتمام به مدح و ثنای خداوند در آثار منثور فارسی

شهرام ساری اصلانی^۱

^۱ دکتری زبان و ادبیات فارسی (غنایی - PhD) دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان. ایران-همدان sh.sariaslani5350@gmail.com

چکیده:

از زمان تولد نظم و نثر فارسی، شاعران و نویسندگان بزرگ، در آثارشان نگاه ویژه ای به مدح خداوند داشته و دارند؛ تا جایی که بسیاری از آنها کتاب خود را با مدح خداوند آغاز کرده اند، این نویسندگان نیک می دانند که مدح و ثنای خداوند، پاداشی و صله ای به آنها ارزانی خواهد کرد که بازخوردش را هم در این دنیا خواهند دید و هم در جهان باقیات مدح و ثنای خداوند در آثار متون نثر فارسی نوع و حوزه ادبی نمی شناسد بلکه در تمامی انواع ادبی مابخصوص نوع غنایی و عرفانی همچون نگینی خوش تراش برانگشتی زبان و ادبیات ما می درخشد تا جایی که تقریباً در بسیاری از آثار گذشتگان جزء لاینفک اثر این بزرگان ادب فارسی بوده است و به آن اهتمام ورزیده اند. مقاله پیش روی که به شیوه توصیفی- تحلیلی کار شده است به تعدادی از متون نثر بزرگان ادب فارسی که در آثار خود به مدح و ثنای خداوند پرداخته اند اشاره می کند.

کلید واژه: آثار منثور، مدح و ثنا، اهتمام، زبان فارسی.

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبائی

hcwconf.ir



مقدمه:

مدح و ثنا یکی از حوزه های متعدد زبان و ادب فارسی در نظم و نثر می باشد که از بدو تولد شعر و نثر پا به عرصه ادبیات ما گذارده است. مدح و ثنا در لغت به معنای ستایش است. علامه دهخدا آنرا «سخن نیکو، کلام جمیل، تمجید، تعریف، تحسین» می داند. (دهخدا، ذیل/ مدح) مدح و ثنا و حمد از قرن ها پیش جزء لاینفک آثار بزرگان بوده است و هر شاعر و نویسنده ای با هر سبک ادبی و هر سیاقی، در هر جا و مکانی، در هر موقعیت جغرافیایی که بوده اند با هر سیلقه ادبی که داشته اند و با هر نوع ادبی که کار کرده اند اعم از نوع عرفانی یا نوع غنایی، نوع حماسی یا نوع تعلیمی، و حتی نمایشی، همواره در ابتدای اثر خود به مدح و ثنا و حمد خداوند کریم پرداخته اند.

کمتر اثر ادبی را می توان یافت که از این موهبت و عرض ارادت به خداوند و پیغمبر و امامان بی نیسیب بوده باشند. این بزرگان به این حجت رسیده اند که موقعیت امروز آنها و هنر به این بزرگی به خاطر دست موهبت الهی است که نسیبشان شده است، پس می طلبد تا مطلع اثر خود را آذین بدهند با مدح و ثنای خداوند و ائمه اطهار و پیغمبر.

روش پژوهش:

این مقاله به روش توصیفی- تحلیلی به شیوه کتابخانه ای کار شده است.

پیشینه پژوهش:

در ارتباط با موضوع مورد بحث مقالات زیادی نوشته نشده است اما به عنوان مثال به چند نمونه اشاره می کنیم. حمیده سلطانی مقدم مقاله ای تحت عنوان «مدح» تدوین نموده است که بیشتر به شعر مدحی پرداخته است. شهرام ساری اصلانی هم مقاله ای تحت عنوان «خدا

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبائی

hcwconf.ir



محوری در شعر فارسی» را به رشتهٔ تحریر در آورده است که همان مدح و ثنا را مورد بحث قرار داده است اما در شعر فارسی. به نظر می رسد پژوهشگری تابحال پژوهشی با عنوان «اهتمام به مدح و ثنای خداوند در آثار منثور فارسی» کار نکرده باشد.

موضوع اصلی:

از بدو ورود نثر که به اعتباری از قرن سوم به صورت گسترده ای شکل گرفت همواره نویسندگان بزرگ نیز همانند شاعران در بدو آثار و آغاز کتب خود در انواع ادبی، به مدح و ثنای خداوند پرداخته اند که به نمونه هایی از این آثار اشاره می کنیم.

سعدی در «گلستان»، این اثر ارزشمند خویش را با این متن آغاز می کند:

«منت خدای را عزوجل، که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. هر نفسی که فرو می رود ممد حیات است و چون برآید مفرح ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.» (سعدی، ۱۳۶۹: ۴۹)

خواجه نصیر طوسی هم در «اخلاق ناصری» این کتاب ماندگار را چنین آغاز می کند:

«حمد بی حد و مدح بی عذ لایق حضرت عزت مالک الملکی باشد که: همچنانکه در بدو فطرت اولی، وَهُوَ الَّذِي بَدَأَ الْخَلْقَ، که حقایق انواع را از مطالع ابداع بر می آورد، هیولای انسان راه سمت عالم خلفی داشت، چهل طور در مدارج استکمال از صورت به صورت و حال به حال بگردانید...» (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۳)

خواجه نظام الملک طوسی نیز در کتاب ارزشمند و ماندگار خود، «سیاست نامه» اینگونه شروع می کند: «سپاس خدای را عزوجل، که آفریدگار زمین و آسمان است، و روزی دهندهٔ بندگان است، و شناسندهٔ آشکار و نهان است، و آمرزندهٔ گناهان است؛ و درود بر بهترین خلائق، محمد بن عبدالله (ص)، که بمهتر پیامبران است، و گزیدهٔ خدای جهان است، و آورندهٔ فرقان است، و بر یاران و عترت او اجمعین.

رشیدالدین ابوالفضل میبیدی در ابتدای کتاب «تفسیر کشف الاسرار وعده الابرار» اینگونه می نویسد:

«از روی اشارت بر مذاق خداوندان معرفت، بآ بسم الله اشارت دارد به بهاء احدیت، سین به سناء صمدیت، میم به ملک الهیت، بهاء او قیومی، و سناء او دیمومی، و ملک او سرمدی و بهاء او قدیم و سناء او کریم و ملک او عظیم، بهاء او با جلال، و سناء او با جمال و ملک او بی زوال. بهاء او دلربا و سناء او مهرزاد، و ملک او بی فنا.» (میبیدی، ۱۳۷۰: ۲۹)

نصرت الله منشی در کتاب «کلیله و دمنه»، این اثر ارزشمند را اینگونه آغاز می کند. «سپاس و ستایش بر خدای را جل جلاله که آثار قدرت او بر چهرهٔ روز روشن تابانست و انوار حکمت او در دل شب تاری درخشان بخشایندهٔ تار عنکبوت راست عصمت دوستان کرد جباری که نیش پشه را تیغ قهر دشمنان گردانید در فطرت کائنات بوزیر و مشیر و معاونت و مظاهرات محتاج نگشت و بدایع ابتداع را در عالم کون و فساد پیدا کرد و آدمیان را بفضیلت نطف و مزیت عقل از دیگر حیوانات ممیز گردانید و برای ارشاد و هدایت ایشان رسولان فرستاد تا خلق را از ظلمت جهل و

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبائی

hcwconf.ir



ضاللت نفس برهاند و صحن گیتی را بنور علم و معرفت آدین بستند و آخر ایشان در نوبت و اول در رتبت آسمان حق و آفتاب صدق سیدالمرسلین و امام المتقین و...» (منشی، ۱۳۶۹:۲)

سعدالدین وراوینی «مرزبان نامه» را با این مقدمه آغاز می کند:

«حمد و ثنایی که روایح ذکر آن چون ثنایای صبح برنکته دهان گل خنده زند؛ و شکر و سپاس که فوایح نشر آن چون نسیم صبا بر جعد و طره سنبل شکند؛ ذات پاک کریمی را که از احاطت لطایف کرمش، نطق را نطق تنگ آمد؛ قدیمی که عقل به بارگاه کبریایی قدمش، قدمی فرا پیش نهاد، بصیری که در مشکات زجاجی بصر به چراغ ادراک، پرتوی از جمال حقیقتش نتوان دید، سمیعی که در دهلیز سمع از گنبد خانه وهم و خیال، صدای منادی عظمتش نتوان شنید. زواهر علوی را با جواهر سفلی در یک رشته ترتیب وجود او کشید، نهاد آدم را که عالم صغری است سلسله آفرینش در مرتبه آخری او انداخت...» (وراوینی، ۱۳۶۷:۳)

در آغاز کتاب «کشف المحجوب» هجویری، چنین آمده است:

«الحمد لله الذی کشفَ لِأَیَّامِهِ یَواطِنَ ملکوتَه، و فَسَعَ لِأَصْفِیائِهِ سَرائِرَ جَبَروتَه، و اَراقَ دَمَ المَحَبِّیْنَ سَیْفِ جَلالَه و اَذاقَ سِرائِرَ المَشْتاقِیْنَ رَوحَ وصالَه، هُوَ المُحیی لِمواتِ القلوبِ بِأنوارِ ادراکَه، و المُنعِشُ لِهابِراحِهِ رَوحَ المَعرِفَه بِنَشْرِ اسمائَه، و الصَّلوةُ عَلَی رَسولِهِ مُحَمَّدٍ و عَلَی آلِهِ و اصحابِهِ.» (میبدی، ۱۳۷۰:۴۷)

عنصرالمعالی کاووس بن اسکندر و شمشیر در «قابوسنامه» چنین می گوید:

«آگاه باش ای پسر که هیچ چیز نسبت از بودنی و نابودنی و شاید بود که آن شناخته مردم نگشت چنانکه اوست، جز آفریدگار جَلَّ جلاله که شناخت را در او راه نیست و جز او همه شناخت گشت. چه شناسنده خدای آنکه باشی که ناشناس شوی و مثال ناشناخته چون منقوش است و شناسنده نقاش، و گمان نقش تا در منقوش (قبول) نقش، نباشد هیچ نقاش بروی نقش نکند؛ نبینی که چون موم نقش پذیرتر از سنگ است از موم مهر سازند و از سنگ نسازند. پس در همه شناخته ای قبول شناس است و آفریدگار قابل نیست، و توبه گمان در خود نگر در آفریدگار منگر و در ساز نگر و سازنده را بشناس و نگر تا درنگ ساخته سازنده از دست تو برآید...» (وشمشیر، ۱۳۶۸: ۱۰-۹)

عطا ملک جوینی هم «تاریخ جهانگشای جوینی» را اینگونه آغاز می کند:

«سپاس و ثنا معبودی راست که واجب الوجود است، مسجودی که وجود او واهب انوار عقل وجود است، آفریدگاری که اثبات وحدانیت او در هر ذره از ذات مکونات موجود است، پروردگاری که به اختلاف لغات و صفات، شکر روایع بدایع صنایع او مقصود است، رزاقی که از راه ربوبیت بر مائده کرمش موحد و ملحد یکسان است، خلاقی که معلومات مبدعات فطرتش از کمال قدرت او یک داستان است، عظیمی که بلبل خوش الحان و نعمت به ذکر الوان نعمت او هزار داستان است، کریمی که یک قطره از بحر موهبت او باران مدرار نیسان است، غفاری که نسیم لطفش ماده بقاء در هر دو دوستار آمد، قهاری که جلاد عنفش تیغ آبدار تاتار گشت. ظاهری که عقول عقلا در عظمت کمال او جایز است، باطنی که

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبائی

hcwconf.ir



اوهام و افهام از کنه معرفت جلال او قاصر است، احدی که مقتصدان او دیه هدی و مقتسبان بادیه هوی را مطلوب اوست، صمدی که عاشقان حقیقت و فاسقان صورت پرست را محبوب اوست.» (وشمگیر، ۱۳۶۸: ۱)

محمد منور نیز در ابتدای شروع کتاب «اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید» چنین می گوید:

«شکر و سپاس و ستایش بی قیاس و حمد بی نهایت و ثنا و مدح بی غایت، آفریدگار مصنوعات و صانع مخلوقات را تعالی و تَقَدُّسَت صفاته. آن خداوندی که بی غرض و علت و طلب فایده و خیریت، بلکه بمحض کرم و کمال عنایت و لطف و اظهار قدرت بی نهایت، عالم را بیافرید و به انواع غرایب و بدایع آنرا مخصوص گردایند و یکی از این جمله آنکه از مثنی خاک، آدم صفی را، صلواتُ الله علیه، که پدر آدمیان و مَسْنَد عالمیان است، بیافرید و سالها میان مکه و طایف، قالب سرشته او را، از (حَمَاء مسنون) بگذاشت...» (منور، ۱۳۸۵: ۱)

در آغاز گزیده کتاب تاریخ بلعمی نیز چنین آمده است:

«سپاس و آفرین مرخدای کامکار و کامران و آفریننده زمین و آسمان را، آن کس نه هم همتا و نه انباز و نه دستور و نه زن و نه فرزند. همیشه بود و همیشه باشد، و برهستی او نشانهایی آفرینش پیداست؛ آسمان و زمین و شب و روز و آنچه بدو اندر است. و چون به خرد نگاه کنی بدانی که آفرینش او، بر هستی او گواست، و سپاس وی بر بندگان وی پیداست، و نعمت های او بر بندگان وی گستریده است. سپاس داریم آن خدای را بر این نیکویی ها که با بندگان خویش کرده است. و درود بر محمد پیغامبر بهترین جهان و گزین پیغامبران نازنین همه فرزندان آدم و شفاعت خواه بندگان به روز بزرگ. بروی با دو بر خاندان وی آن گزیدگان و پسندیدگان.»

نتیجه:

با توجه به پژوهش حاضر در می یابیم که مدح و ثنا و حمد خداوند بزرگ همچون الماس خوش تراشی برانگشتی متون نثر فارسی می درخشد؛ جدای از زمان و مکان و جغرافیای نوشتار این متون. در می یابیم که این گفتار، نوع ادبی نمی شناسد و در هر نوع از انواع ادبی ما و در هر سبکی از نوشتار ما و در هر قرنی، نویسندگان چیره دست ادب فارسی اینگونه مدح و ثنا را زینت و برکت نوشته خود می دانند که قابل تأمل است. اینکه همگی بر یگانگی خداوند و صفت خالق او و مدیریت جهان و دیگر صفات پروردگار اتفاق نظر دارند.

اولین همایش ملی علوم انسان در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبای

hcwconf.ir



منابع:

۱. دهخدا، (بی تا)، «فرهنگ لغت»، ذیل واژه/ مدح
۲. ساری اصلانی، شهرام، (۱۴۰۰)، «خدامحوری در شعر فارسی»، هشتمین کنفرانس بین المللی دانش و فناری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران.
۳. طوسی، خواجه نصیر، (۱۳۷۳)، «اخلاق ناصری»، به تصحیح و تنقیح مجتبی مینوی، علیرضا حیدری، تهران: انتشارات خوارزمی.
۴. سعدی، مشرف الدین، (۱۳۶۹)، «گلستان سعدی»، غلامحسین یوسفی، تهران: انتشارات زوار.
۵. سلطانی، حمیده، (۱۳۹۳)، «مدح»، پژوهشکده باقرالعلوم (ع)
۶. طوسی، حسین، (خواجه نظام الملک)، (۱۳۷۰)، «گزیده سیاست نامه»، انتخاب و توضیح جعفر شعار، تهران: انتشارات بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی).
۷. منشی، نصرالله بن محمد بن عبدالحمید، (۱۳۶۹)، «کلیله و دمنه»، باهتمام و تصحیح و حواشی عبدالعظیم قریب، تهران: انتشارات سعدی.
۸. میبدی، رشیدالدین ابوالفضل، (۱۳۷۰)، «تفسیر کشف الاسرار وعده الابرار»، به کوشش رضا انزلی نژاد، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۹. منور، محمد، (۱۳۸۵)، «اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید»، مقدمه و تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: انتشارات آگاه.
۱۰. وراوینی، سعدالدین، (۱۳۶۷)، «مرزبان نامه»، مقابله و تصحیح و حواشی محمدروشن، تهران: انتشارات نو.

اولین همایش ملی
علوم انسانے در حکمت معاصر
بامحوریت علامه طباطبایے

hcwconf.ir



۱۱. وشمگیر، عنصرالمعلی کیکاووس بن اسکندر، (۱۳۶۸)، «گزیده قابوس نامه»، به کوشش غلامحسین یوسفی، تهران: انتشارات امیرکبیر.